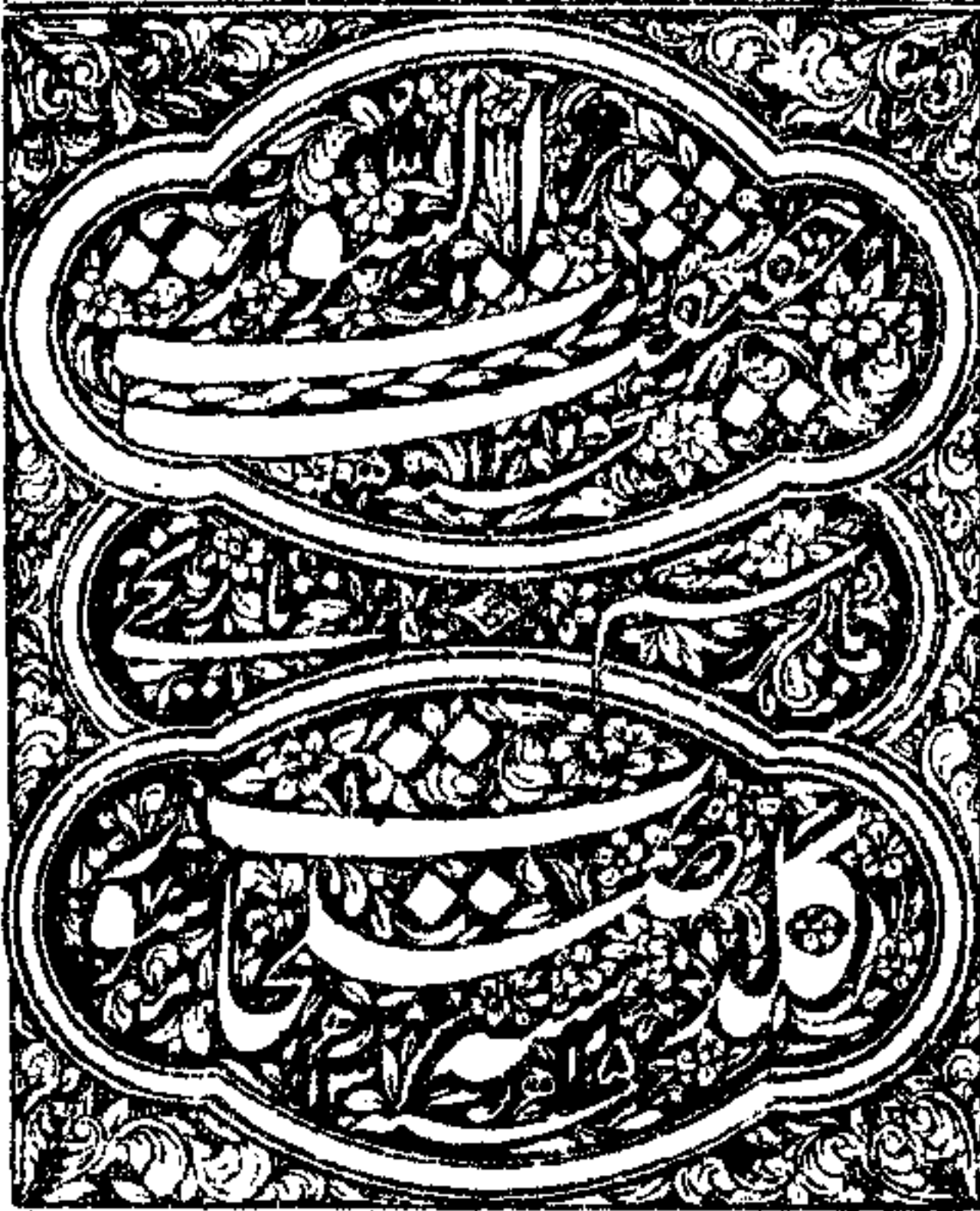


تعمیر صنایع کربلا و مکان فضیلت آن

از افادت با سعادت بلبل پرستان خنجر و کمال عندی بگستان عز و اقبال عالیجناب
شیخ بهادر گزشتیو میانی صاحب دام مجد و کتابت بیست و سه سیرت صورت مستقیم بستم



تعمیر صنایع کربلا و مکان فضیلت آن
تعمیر صنایع کربلا و مکان فضیلت آن

در بیان واقعه کربلا و طبع آن

تذکرہ شہانہ

| صفحہ | سطر | غلط | صحیح | صفحہ | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|------------|-----------|------|-----|--------------------|--------------------|
| ۵ | ۱۴ | یوسف الدین | سید الدین | ۸۰ | ۴ | خندان | خندا |
| ۶ | ۵ | کالات | کال | ۸۲ | ۱۱ | ایڈمنسٹریٹر | ایڈمنسٹریٹر |
| ۱۰ | ۱ | بندر | بندروت | ۸۴ | ۶ | سپرٹنڈنٹ | سپارڈنٹ |
| ۱۱ | ۱۳ | کابل | کابل | ۸۵ | ۱۹ | کنایندہ | کنایندہ |
| ۱۱ | ۵ | اکل | اکمل | ۸۸ | ۳ | عیلیہ | اسماعیلیہ |
| ۱۱ | ۱۱ | روافض | روروفض | ۹۰ | ۱۶ | رفقا | رفقا |
| ۱۲ | ۲۲ | نخشوشاہ | اشرف شاہ | ۹۰ | ۱۶ | تاج الدین امرتساری | تاج الدین امرتساری |
| ۱۳ | ۳ | تربت | تبریت | ۹۲ | ۱۵ | بشردیم محرم | بشردیم محرم |
| ۲۶ | ۶ | ضیف | اختف | ۹۳ | ۲۱ | دستاز | دستار |
| ۳۶ | ۱ | احمدنگر | عدن | ۹۴ | ۱۵ | فراق | افزون |
| ۳۶ | ۲ | حسین | حسین | ۹۵ | ۱ | ہمیشہ | ہمیشہ |
| ۴۰ | ۵ | گارخان | گامگارخان | ۹۹ | ۱۶ | کردآن | کردآن ملا |
| ۴۸ | ۱۰ | شاہ حسین | شاہ حسین | ۱۰۲ | ۴ | پیر غلام علی | پیر غلام علی |
| ۵۰ | ۱۰ | موج | لوح | ۱۰۴ | ۱۶ | سیان محمد | سیان محمد |
| ۶۳ | ۱۱ | بست دوم | بست و نم | ۱۰۴ | ۲۰ | دروازہ | دروازہ |
| ۶۹ | ۱ | سپرٹنڈنٹ | سپارڈنٹ | ۱۱۲ | ۴ | عبدالکریم | عبدالکریم |

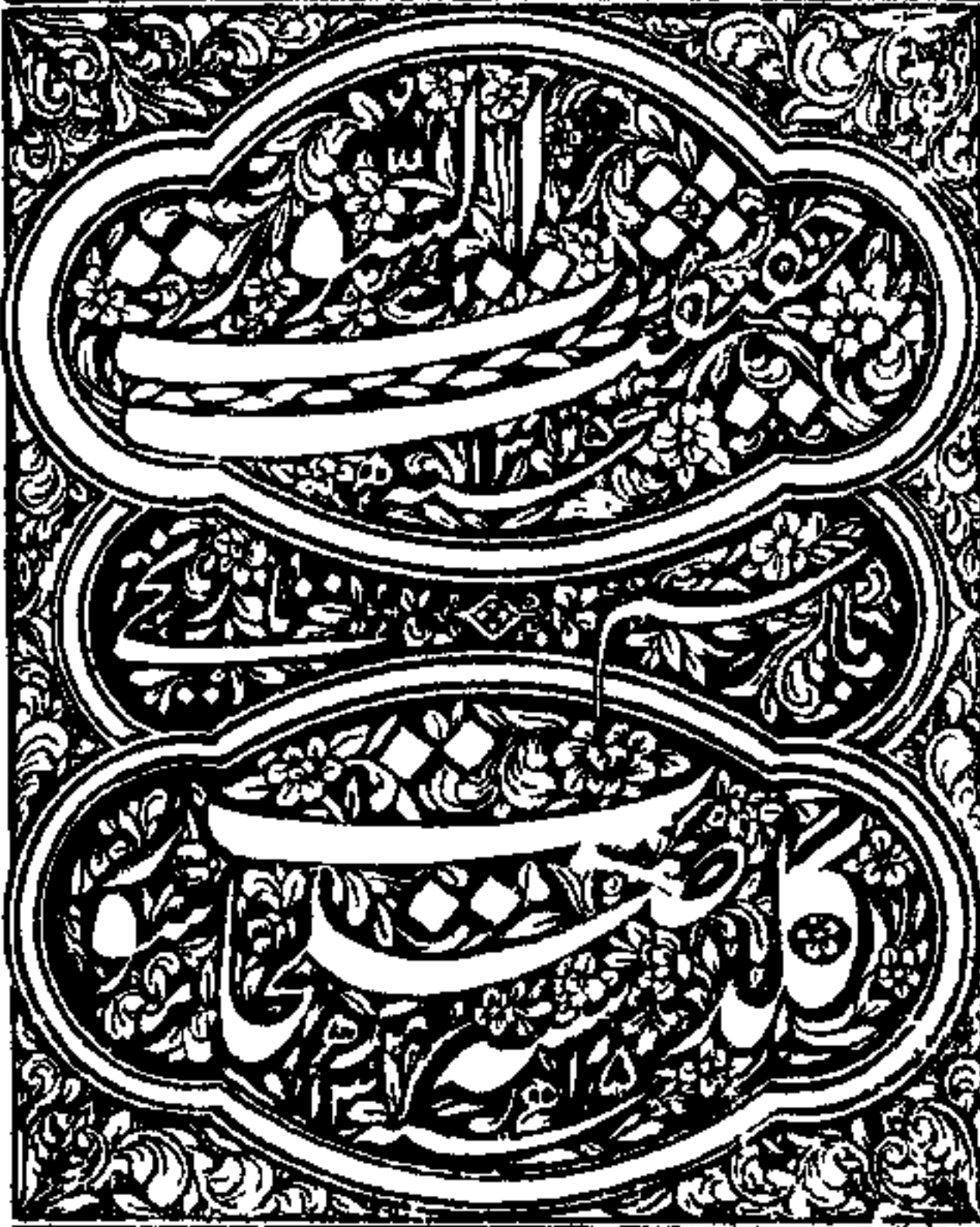
تذکرہ شہانہ کے شہانہ پریس واقع جہندہ می بازار پشاور میں چھاپی

| صفحه | سطر | عناص | صحیح | صفحه | سطر | عناص | صحیح |
|------|-----|--------------|--------------|------|-----|-------------|-------------|
| ۴ | ۱۶ | یاد علی ستان | سید علی ستان | ۲۲ | ۱۰ | بسم محمد صا | بسم محمد صا |
| ۵ | ۶ | نوله نمودو | نوله نمودو | ۲۲ | ۱۱ | سر عین حسن | سر عین حسن |
| ۵ | ۶ | بدر بوسف | بدر بوسف | ۲۵ | ۱۶ | س | س |
| ۵ | ۱۲ | مردن نهر | از برون نهر | ۲۶ | ۲ | بران | زبان |
| ۵ | ۱۳ | سندان ادک | سندان ادک | ۳۰ | ۱۴ | مدار | نامدار |
| ۶ | ۱ | نوله نمودو | نوله نمودو | ۳۱ | ۱۱ | مصالح الدین | مصالح الدین |
| ۶ | ۱ | بنار میسی | بدر میسی | ۳۱ | ۱۲ | دویم | دویم |
| ۶ | ۳ | پشاه جهان | سید شاه جهان | ۳۲ | ۹ | طاعت | رحلت |
| ۶ | ۸ | ابرمسان | اسرمان | ۳۵ | ۱۸ | ۹ | ۱۳ |
| ۶ | ۶ | ۱۱ | ۱۱ | ۳۹ | ۱۳ | طب | طب |
| ۱۰ | ۱۳ | افصح اللغات | افصح اللغات | ۴۰ | ۱۳ | جاری | عاجی |
| ۱۱ | ۱۱ | ار نصیب | ار نصیب | ۴۰ | ۱۳ | تاریخ | تاریخ |
| ۱۲ | ۳ | در آسجا | در آسجا | ۴۲ | ۲۰ | تاریخ | تاریخ |
| ۱۲ | ۵ | المعروف | المعروف | ۴۵ | ۱۶ | عبد | عبد |
| ۱۲ | ۱۵ | در آسجا | در آسجا | ۴۵ | ۲۰ | عمر | عمر |
| ۱۲ | ۲۲ | المعروف | المعروف | ۴۶ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۵ |
| ۱۸ | ۱۹ | بود | بود | ۴۶ | ۱۰ | بید بیان | بید بیان |
| ۱۹ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۴۶ | ۱۳ | قائم مقام | قائم مقام |
| ۲۰ | ۴ | نور حسن | فیض حسن | ۴۹ | ۱۴ | تاریخ | تاریخ |
| ۲۲ | ۸ | پنج فرزندان | پنج فرزندان | ۵۱ | ۱۹ | ۱۳ | ۱۳ |

| صفحہ | سطر | غلط | صحیح | صفحہ | سطر | غلط | صحیح |
|------|-------|-----------|-----------|------|-----|----------|-----------|
| ۹۳ | ۱۳ | عت | رحلت | ۵۴ | ۶ | مرفون شد | مرفون شد |
| ۹۴ | ۳ | ذوق حال | ذوق جان | ۵۵ | ۱۹ | ۱۳ | ۱۳ |
| ۹۴ | ۱۱ | یحس | تخمیس | ۵۶ | ۲۳ | یکپشہ | یکپسہ |
| ۹۴ | ۲۲ | سرور سما | سرور سما | ۵۹ | ۱۲ | طکیم | ان حکیم |
| ۹۴ | ۲۲ | ابرار حق | ابرار حق | ۵۹ | ۱۹ | س | س |
| ۹۵ | ۲۰ | سفت | رفت | ۶۰ | ۱۵ | زوغ | ازوغ |
| ۹۶ | ۲۲ | نبار | نبار | ۶۳ | ۱۵ | فرالدین | فریدالدین |
| ۹۶ | کاشیہ | رسول | رسول | ۶۸ | ۳ | جوشان | جوشان |
| ۹۸ | ۲ | برسد | میرسد | ۶۹ | ۹ | دو سال | دو سال |
| ۹۸ | ۴ | ایشان | ایشان | ۷۱ | ۵ | روی محمد | روی محمد |
| ۹۹ | ۵ | ادا | ادا | ۷۳ | ۳ | چار جیا | چار جیا |
| ۹۹ | ۱۱ | تک | تک | ۷۵ | ۳ | بائر | بیسار |
| ۱۰۰ | ۹ | بسریز | بسریز | ۸۶ | ۱ | شیخ | شیخ |
| ۱۰۱ | ۱۲ | سیدی محمد | سیدی محمد | ۸۶ | ۱۶ | جسرت | جسرت |
| ۱۰۳ | ۱۳ | مادر | مادر | ۸۸ | ۶ | زیادہ | زیادہ |
| ۱۰۳ | ۴ | میشود | میشود | ۸۸ | ۱۲ | بنامی | بیای |
| ۱۰۶ | ۱۲ | منعین | منعین | ۸۸ | ۱۲ | آرامگاہ | آرامگاہ |
| ۱۱۲ | ۱۳ | فلک عمر | فلک عمر | ۹۰ | ۱۶ | بیلگر | بیلگر |
| ۱۳۳ | ۳ | کاشیا دار | عجرات | ۹۲ | ۸ | ب | اب |
| | | | | ۹۳ | ۸ | روائی | روای |

بن عوصناح ککین و کان فضل و سلام و زما

از افتاد با سعادت بلبل پرستان فضل و کمال عندیای گلستان عز و اقبال عالیجناب
شیخ بهادر علی شریفی صاحب دام مجد و کتاب سینه حیرت و صورت مسمی باسم ربی



در چه تمام ناکس و نام تمام اضعف الا نام امیده از غفران حضرت زوی ارجوان الا کلام
بنده ز منعم علم محمد عبس المنعم با کلمه خطیب جامع ربی الموم مسلم شیخ ابرهیم با کلمه غفر لهما

در بن عوصناح ککین و کان فضل و سلام و زما



تفصیل

کتاب التوحید

الحمد لله رب العالمين خالق السموات والارضين والصلوة
 والسلام على رسوله محمد سيد المرسلين وعلى آله واصحابه
 الطيبين الطاهرين اجمعين **اما بعد** يگويند خاکسار و زره
 بمقدمات شيخ باور عرف شيخ ميان ابن المرحوم شيخ احمد عرف بنشويان ابن
 المنصور شيخ حامد بن شيخ بجاور سرور بن عمدة التجار شيخ محمود بن عمدة التجار
 شيخ محمد فاضل الشهيد العبیدی الجازي البدوي ثم الهندی السورتی عفی الله عنهم
 که والد ماجد م شيخ احمد المرحوم از چهار صد و چهل و چهار کتب منتخب بر مضامین حید
 واحوال پسندیده منتخب فرموده کتاب ضخیم در سه جلد تالیف نموده **حدائق**
احمدی نام نهاده در ۱۲۶۵ هجری ازین جهان گذران بخت ان صحت
 فرمودند آن تالیف گرامی تروم موجود هست و در جلد خبرش در باب بیوم
 بیان مذهب اهل سنت و جماعت واحوال چهار هزار ششصد و هشتاد و هشت شایخ

وعلما وفضلاء وحقا و غیره گلدسته آسامرتب فرموده اند فرمایش صاحب
 بعض اکابران شهر ندامت و فضیلت پناه معظم و مکرم مولوی میان محمد معروف
 به عبید اسم خلف المرحوم شجیت آاب جناب شیخ ابراهیم صاحب با مکتب خطیب
 جامع مسجد سی خصوصاً برای نوشتن احوال بزرگان سورت احقر را آماده ساخت
 که گلبنی ازان گزار از اندرون چهار دیوار بیرون آورده با گلهای نضیر هم رنگ ساخت
 گل سبزه سازم لهذا از حدیقه مذکور صرفت حال بزرگان سورت حسب انموده
 مزید بران از تاریخ وفات پدم تا حین که ۱۳۵۱ هجری است بهر حال بشین تو
 نسبت هر بزرگی که بر من هویدا شد حواله بطور حاشیه نموده این مختصر را نام
 گلدسته صلحاء سورت نهاده بنام تاریخی حقیقه السورت
 موسوم ساخته پیشکش از باب دانش و پیش بیناییم و مغفرت از رب العباد میجویم

بصاعت نیاروم الا امیتد خدا یا ز عفو مکن ما امیتد

اللهم نوذرتلونا وقلوب الناظرین بمطالعتهما



احوال بزرگان فاعیه



ابوالحسن سید احمد البکر الرفاعی چون ازین خاندان سیده عبدالرحیم بن سید محمد
 بن سید صالح الرفاعی در سورت تشریف آورده قامت گزیده بودند لهذا از نشان
 آغاز نموده شد سید عبدالرحیم بن سید محمد الرفاعی رحمه الله علیه در

در مدینه منوره تولد فرموده و از آنجا در سن مبارک سورت وارد هندوستان
 گشته سکونت اختیار نموده هزار مخلص را در بیت شرف ساخته مرده نموده
 و مدتی برهنائی خلایق بوده روز و شب در وقت عصر ستم ماه جمادی الاولی سال
 هجری رحلت فرموده بر دروازه پراو دفون شدند آنجناب را چهار پسر و سه دختر
 بودند اول سید احمد بن سید عبدالرحیم الرفاعی رحمه الله علیه به دو از دهم
 شعبان ۱۱۲ در ملک گنگ رحلت نموده مدون شدند و دوم سید محمد
 مهدی رحمه الله علیه به دویم محرم ۱۱۳ در راجپور گنگ رحلت نموده مدون
 شدند و سیوم سید نور الدین بن سید عبدالرحیم الرفاعی رحمه الله علیه
 روز چهارشنبه است و هفتم ماه ربیع الآخر ۱۱۴ رحلت نموده در جنگلی بندر
 واقع سورت دفون شدند و یفیه مؤمنه بنت سید عبدالرحیم ستم شوال
 ۱۱۴ رحلت نموده نزدیک پدر در سورت دفون شدند و یفیه سرور
 بنت سید عبدالرحیم به است و دوم ربیع الآخر ۱۱۴ هجری رحلت نموده نزدیک
 پدر دفون شدند چهارم سید یوسف الرفاعی بن سید عبدالرحیم الرفاعی
 رحمه الله علیه به است و هفتم ماه صفر ۱۱۵ تولد نموده بعد از پدر به ستمائی خلایق
 گشته روز جمعه هجدهم ربیع الاول ۱۱۶ رحلت نموده نزدیک پدر خود در سبت
 سورت دفون شدند و آنجناب را سه فرزند بودند یکی سید عثمان بن
 سید یوسف الرفاعی رحمه الله علیه که در ۱۱۶ رحلت نموده سید عبدالرحیم

شاه بعض در گنگ ملک فارس می نویسد ۱۱۲

که تاریخ چهارم صفر ۱۱۴ تولد نموده ۱۱۵

ابن بند علی ستان در سن رحلت نموده سید حسین ابن عبدالرحیم الرفاعی اصل شایخ
 و اکابران شهر سورت بودند بانی سید محسن الدین خان عبرت جنگ بهادر بخشی صاحب
 سورت منسوب بود مدتی رسنمائی خلایق گردید سیح رمضان المبارک ۱۲۲۴ هـ رحلت فرموده
 در بندر سورت مدفون شدند و آنجناب را دو فرزند بودند که سید محسن الدین که در عنوان
 جوانی در ۱۲۲۳ هـ رحلت نمودند و همین فرزند ایشان حبیل اصل حبیل الوصل سیادت شرف
 پیام واقف است اسرار ختمی بوسی سید صاحب که بحال در حیدرآباد تشریف برده اند پسر
 سید یوسف الرفاعی مرحوم سید محسن الدین که در ۱۲۳۲ هـ تولد نموده ذات پاک از تاریخ
 تولد ایشان بود بهارم شعبان ۱۲۳۲ هـ رحلت نموده در بندر سورت مدفون شدند تاریخ
 رحلت از طرف پاک هوید است پسر سوم سید یوسف الرفاعی مرحوم سید عکرم ولد
 احمد الله الرفاعی حقه الله علیه در ۱۲۳۳ هـ هجری تولد نموده خیر بود احد ولد فیه
 احمد الله هو قطب اعظم تاریخ تولد آنجناب سید یوسف صاحب فرموده هزار هارم و
 خلیفه ایشان اند تاریخ بست و یکم محرم الحرام ۱۲۹۱ هـ رحلت نموده نعش را از بیرلان شهر بندر
 سورت آورده بیرون روضه رفاعیه بر چو تیره علوی مدفون نمودند آنجناب انچه چشم
 دختر بودند اول سید عزالدین محمود دوم سید یوسف الدین کبکی سوم سید تاج الدین
 محمد مصطفی که تولد ایشان در ۱۲۶۴ هـ هجری شده چهارم سید پسر الدین محسن هشتم بقعه ۱۲۶۴ هـ

تاریخ پنجم مع الا فرسند در حیدرآباد و کن انتقال فرموده اند از آنجناب یک دختر سادات شریفه سیم صاحب بود که کوه ایمن الدین
 صاحب دندیر کمال الدین چهارم مشهور سید ایمن الدین تاریخ دهم ماه ذیحجه الحرام ۱۳۱۲ هـ رحلت نموده در مقبره رفاعیه ان مدفون شدند
 و از ایشان که سید سید فیاض الدین و سید الدین و سید فیروزانند ۱۲
 که به بست و هشتم شوال تولد نموده ۱۲
 که بست و پنجم ذیحجه تولد نموده ۱۲
 که از سری کاژن ۱۲ که صغیر فوت شده ۱۲

تولد نموده در ششده هجری در شب دهمی رحلت فرموده در بخت مذی باز آمدن
شدند پنجم سید زین العابدین که در ششده تولد نموده تاریخ خورشید
جوان و ظفر و در ششده رحلت کرده که سید شاهجهان رفاعی پسر
شان بودند که در عین جوانی در بند سورت ششده تاریخ پانزدهم ماه رمضان
رحلت نموده و از ایشان یک پسر مانده ششم سید حسام الدین که شتر دهم رجب
تولد نموده در سده رحلت کرده هفتم سید رضی الدین عبدالله که هجدهم
رمضان المبارک ششده تولد نموده در سده رحلت فرموده و هشتم

نهم پانزدهم ماهی اولی ۱۲ است قریب ابان شهاب در بی مرفون شدند ۱۳ تولد ایشان در ششده و تاریخ رحلت
از ایشان دو پسر یک فرزند ماند اول سیادت آید سید حسام الدین بن شاهجهان رفاعی تاریخ غره محرم ۱۲۳۲ تولد
نموده و دوم جامع فروع و اصول مادی معتقل و منقول مولود سید عماد الدین رفاعی بن سید شاهجهان رفاعی در ششده تولد شد
سیوم نوبت سید شاهجهان رفاعی آید حسام الدین بن سید شاهجهان رفاعی او دهم یک فرزند اول سید
زین العابدین که در ششده باه ذیقعه تولد یافته و دوم سید نور الدین سیف الله که در ششده تاریخ غره ماه صفر تولد یافته و صد النساء
عوف رفاعیه یکم نوبت سید حسام الدین در ششده تولد شده که با سید میرغازی بن سید قطب الدین قادری شهنشاه سورت منسوب است
و سید زین العابدین را یک فرزند سادات رحیم النساء عوف زینب بیگم که با سید صدر الدین بن میرعظیم الدین خان بخشی سورت منسوب است
و از سید نور الدین سیف الله یک پسر سید عبدالدین محمد فیض الله که تاریخ دهم رمضان ششده تولد شده و یک فرزند جمال النساء عرفان جوان
یکم تاریخ چهاردهم ربیع الثانی ششده تولد شد سید حسام الدین رفاعی مذکور بعد از انتقال پیش سید شاهجهان رفاعی هم
تاریخ بر جاده مشیخت جلوه گرفته بسیار گسار برید و وظیفه فقیر نموده تاریخ هفتم محرم ششده ۱۳۱۵ در شهر احمد آباد انتقال فرمودند
خلف شان سید نور الدین فیض الله از احمد آباد آورده در شهر سورت بنحافه فایزیه بنسب پدرش سید شاهجهان رفاعی فرزند
سید حسام الدین رفاعی و سید عماد الدین بعد از وفات پدر خویش از سورت در بی نوبت استقامت در زیند چنانچه کمال
بعد از وفات سید حسام الدین پیش سید زین العابدین در بی مقام والد خود سکونت پذیرا شد و سید نور الدین بن
سید حسام الدین بعد از انتقال سید احمد الله بن سید عبدالرحیم عرفان او امیان رفاعی مرحوم قائم مقام وی بجای
نشین سورت گشته خلاصه اش در احوال سید احمد الله رفاعی خواهد آمد و سید عماد الدین که عالم و فاضل بود
تاریخ چهارم ماه صفر ششده هجری رحلت در بی فرمودند خلف شان سید غلام محسن بجای پدر
قائم مقام ماند ۱۲

سید شرف الدین مهدی رحمة الله علیه بدوازدهم صفر سنه ۱۰۰۰ هجری تولد نموده در سنه
وفات کرده و در بندرسورت مدفون اند **شمس سید نور الدین** کاشم
سید فیض الله سید احمد الله رفاعی در پنجمین شبه و هم رمضان سنه ۱۰۰۰ هجری تولد نموده الملقب
سید رضو بود تاریخ تولد الله محافظا الولد پدرش فرموده مدتی رهنمایی خلعت
گشته بپست و منقلم ماه شعبان سنه ۱۰۰۰ هجری رحلت نموده نزدیک پدر خود مدفون شده
از آنجناب چهار پسر مانند اول سید قطب الدین عرف با شاه بیان دوم سیادت
و شرافت پناه نجابت و نقابت و شگانه اجل الاکل حضرت سید فخر الدین علی عرف
امیر میان صاحب الله تعالی سیادت پناه لالا میان سید کن الدین معروف میثامیان صاحب

تاریخ ۲۱ جمادی الاول سنه ۱۰۰۰ هجری پسرین پسرین انتقال نموده در سنه ۱۰۰۰ هجری تولد شده بعد از پسرانی خانق
تاریخ ۱۹ بیح الاول سنه ۱۰۰۰ هجری انتقال فرموده و پسر بزرگوار گوی در سنه ۱۰۰۰ هجری مدفون اند از ایشان دو فرزند کی سید الکریم عرف وزیر میان و گل
سید الکریم عرف رادامیان که درین برکی تازید بود و تا حال سید الطمان نشین سید الکریم و سید الکریم و سید الکریم پسران سید الکریم مذکور
و سید نور الدین متابع از سید سید الکریم تاریخ ۱۹ شهر محرم سنه ۱۰۰۰ هجری در حیدرآباد کن فات یافته و سید الکریم چند مدت برجاهه سینه
تسکن بوده تاریخ ۱۹ نوزدهم رمضان سنه ۱۰۰۰ هجری فات یافته در شهر سورت به پناه صاحب فن اند قاضی احسبه الله تاریخ گفته تا در هیچ وفات
از سرتی سرغانی مرشد عالم است **فرزاد او رفاعی سید محمد کریم** کرد رحلت روز شنبه پنجمه جاردان نوزدهم تاریخ بود پناه میان الکریم
انقی در شهر کاشم شکر **سیدان بیعت و زول سنه ۱۰۰۰** جسم آن حضرت تاریخ سال **انچنان که شوق آید غیبی سلیم**
کز سرفظا گفت تاریخ اهل س **سید نور الدین کفایت نعیم**

این جناب همیشه عظیم الدین خان صاحب شخصی سورت مسوب بودند و از بعضی دو خلف گفته شد که سید محمد عرف با دامیان رفاعی که در سنه ۱۰۰۰ هجری
دوم سید قطب الدین که درین بنا لایه فوت شده و سورت نزدیک خود مدفون اند اما سید محمد رفاعی مذکور بعد از پدر برجاهه سینه مدتی بوده سید فخر
گذشته تاریخ جام و بقیه سنه ۱۰۰۰ هجری انتقال فرموده و پسرش امیر میان در بزرگوار و پناه فاعی مدفون شده اند سید محمد که در قبل فات تبرکات
چند عالم و سید خود زین عظیم الدین شخصی سورت باین من شده که سید الدین سیف الله رفاعی از غیبی طبریه و حضور شاهان و اکابران و قهران
و غیره نشین من قرار داده و در کلان من مسوسازند چنانچه بوجه ایشان سید نور الدین رفاعی که در تاریخ بستم ماه ذیحجه سنه ۱۰۰۰ هجری
و غیره تبرکات سجاگی شخصی صاحب صوف داده برجاهه سینه نشاندند و نیز حسینه بیگم دختر کلان سید محمد رفاعی او در عقد نکاح شان داده
و از بعضی یکی پسر سید نور الدین محمد سید فیض الله تاریخ و هم ماه رمضان المبارک سنه ۱۰۰۰ هجری تولد شد سید نور الدین موصوب
تاریخ چهاردهم ماه ذیحجه سنه ۱۰۰۰ هجری دستار خلافت پسر پسر خود سید نور الدین بحضور شاهان و قهران و اکابران
سورت نسبتا اجازت بیعت رفاعیه و قاوریه داده در تسلیم خود داشته اند ۱۲ سنه در سنه ۱۰۰۰ هجری تولد شده
بسیار سیاحت نموده بعد از مدتی در شهر سورت آمده در سنه ۱۰۰۰ هجری سید نور الدین انتقال فرموده ۱۲ سنه در فرود سالی فوت شده

حافظ ابراهیم صاحب مرحوم از جمله شاگردان پیرشاه عبداللہ صاحب
 در بند مبارک سورت بودند در ماه ذیحجه ۱۲۹۱ھ رحلت فرموده خلف آن
 جناب فضیلت آداب کمالات انتساب رہنمائی گم گشتگان و ادوی جنب و ضلالت
 دستگیر از پارتنگان عوائب بدعت کاشت سرار کونی و آسمی اوقف رسوم
 پیدای و سیماہی صاحب دارج فضل و کمالات ناصب معارج ظل و انخلاف
 کشف حقائق علم و حکمت و عقده کشای دین و دولت مترجم لغات مشککہ محفل
 مصطلحات متنوع عالیقدر مولوی محمد کبیر علیہ السلام اللہ تعالیٰ تکمیل علوم از مولانا
 نور محمد شانه گر نموده و رفتن و عطا کونی سبقت از سائر واعظان برود بحضور
 بادشاہ ہندوستان رفتہ بخلعت نیمہ استین و سپیچ و مادہ نیل و خطاب مولوی
 اکبر علیہ السلام بجا در عجب از اہل مدرسین مناظر الدولہ فقیر الملک مباحث جنگ
 منقح گشتہ بعد از ان در لکنؤ تشریف برودہ ناموری پیدا کردہ و بحال حیدرآباد
 و کن تشریف برودہ اند خدا سلامت و اور زبان حقائق بیانش مفتح ابواب
 معانی و کلام بلاغت انجامش مبین و قائل صحف آسمانی ست لالی محسن اوصاف
 ذات مکارم انوار صفات مشمول اعطاف شامل عسوم الطواف
 خصائل ایشان از ان شگرت ترست کہ در صد و تفریر و تخریر این حدیثہ در آید
 خدایتعالی ذات عالیہ را ہمیشہ بر سر مسترشدان سلامت دارد آمین یا رب العالمین
 حافظ سید احمد صاحب مرحوم رحمۃ اللہ علیہ عالم و عارف و طب وقت بود

لہ در حیدرآباد بسیار عزت و توقیر یافتہ چند سال شدہ برای جادو دانی رحلت فرمودہ اند و نیز خلف
 ایشان مولوی احمد علی بودہ آن ہم وفات یافتہ کہ ہر دو در حیدرآباد و کن مدقون اند ۱۲

تکمیل علوم پس از شاه سید عبدالقادر صاحب نموده گشت اشعار تصوفانه میفرموده
 و در سید حاجی فرهاد واقع بگیم پوره سورت تشریف میباشند و پنجم ماه صفر
 ۱۲۳۲ رحلت فرموده هم در آنجا مدفون شدند مولوی احمد علی خلیف مولوی محمد
 خان رحمۃ اللہ علیہ صلواتش از شاه جهان پور وار و بند مبارک سورت شده سکونت
 اختیار فرموده مدتی رهنمایی حلائق گشته بیستم ماه محرم ۱۲۳۵ رحلت نموده در سید
 حافظ بهادر صاحب مدفون شده اند و سید پیر انجناب نیز طالب علم بوده بیستم
 ماه محرم ۱۲۳۵ وفات کرده پامان ایشان مدفون شدند سیادت شرافت
 پناه سید محمود صاحب و اعطاء سید احمد صاحب لهما الرحمن خلفان
 ایشان اند خدا سلامت دارد حافظ سید رحمت اللہ علیہ عمده و عظیم
 بوده تاریخ ۱۲۳۵ رحلت فرموده نزدیک روضه حسن حی صاحب مدفون گشته
 و سید صالح صاحب لہ اللہ برادر سید احمد صاحب و سید نظام الدین صاحب
 خلف ایشان طالب علم و در فن و عطا دستگاہی کمال دارند خدا سلامت دارد
 حافظ بقا بیگ خان خلف خواجہ عبدالحکیم کشمیری رحمۃ اللہ علیہ از امرای
 عهد عالمگیری شاہی بودند ترک امارت نموده در سورت بعد از فراغ
 حج بیت اللہ آمدہ سکونت اختیار فرمودند و مرزا گدای بیگ و مرزا عاشور بیگ

سید محمود سید احمد چند سال شده وفات نموده اند سید احمد را یک پسر سید نظام الدین که در ملک سکونت شده از
 پسر کی سید محمد و دویم سید محمود اند ۱۲۳۵ سید صالح چند سال شده که فوت شده اند و سید نظام الدین تاج بیستم
 رجب ۱۲۳۵ انتقال کرده بپیکر دکن حی مدفون شدند از ایشان دو پسر یکی حافظ حکیم سید محمد الدین که علوم
 از علما شہر علم طلب از طایف انکلا حکیم عبدالرزاق صاحب رام پوری حاصل نموده مطب جاری ساخته بر سادہ
 عزت بزرگان خود اند و عطف خوب میگویند و دویم سید حفیظ الدین اند ۱۲

و بڑے خان نیز از امرای عالمگیری ہم عصر ایشان بودہ کہ در بند و ارو شدہ
 ہر یکے بنام خود چکر و مسجد بنا نو و مرزا جانی صاحب از اولاد مرزا عاشور بیگ قابل
 و منشی بے بدل بودہ چند سال است کہ رحلت فرمودند و خواجہ نقی بیگ مقابل قلعه
 سورت مسجد بنا فرمودہ تاریخ ساخت حافظ نقی بہ فضل اللہ

| | |
|-----------------------|-------------------------|
| منع خیر مسجد دل خواہ | بود اتمام این محبتہ بنا |
| چون برسیدم از دل آگاہ | کہ تاریخ او چہ گوی گفت |

این بنا کردہ حاصل صابید

و خواجہ نقی بہ نوزدھم ماہ شعبان ۱۲۹۹ھ رحلت نمودہ بہر ان مسجد دفون
 و مولوی ہدایت اللہ بن شیخ پیر محمد بعد از ایشان متولی آن مسجد شدہ و بعد از وفات
 ایشان مولوی محمد اسماعیل خلف ایشان متولی گشتہ در او زنگ آبا و رفتہ خرّمہ خلافت
 از شاہ پیر محمد خلیفہ شاہ عنایت اللہ صوفی یافتہ طبع مظهر شاہ شدہ و در کتب
 رحلت نمودہ بہر ان مسجد دفون گشتہ از ایشان یک دختر ماندہ کہ ماورما و در جناب
 فصیح البلقاشی عبد الحکیم خلف شیخ عبد الوہاب بن شیخ عبد العسیٰ عباسی ماتری
 بودند قدوہ خوشنویسان روز کار و زبده کاتبان تحریر نگار نخل بند گلستان صنایع
 حرف و تقط و نقش پیوند نگارستان بدایع زلف و خط واقف و قافی معقول و
 منقول عارف حقائق فروع و اصول ناسک مناسک دین قدیم سالک مساک
 صراط مستقیم محمد عبد الحکیم سلمہ اللہ تعالیٰ تحصیل علوم از عرفان تپاہ حضرت شہید
 سیاح صاحب مرحوم از صرف میر تائیس قطبی و در احادیث و تفاسیر و در فقہ
 و اصول کتاب ہدایہ از مولانا غلام علی صاحب کہ اسکاں قاضی سید مبارک

سورت اندر کس گرفته و از خدمت مولوی محمد سعید صاحب پشوری از عقاید سنی
 و عضوی تاج سلم و قاضی مبارک و از تحریر اقلیدس در علم سید تاج علم بهیت
 ملا علی قوی حاصل کرده و از خدمت علم العیال ملا فیاض محمد المعروف ملا بابا و شاه کابل
 سلمه الله تعالی از حکمت العین شرح موافق تاشیح تجرید الکلام حنفی خوانده
 فضیلت در شاه حاصل ساخته و مشق نظر از حکیم اکل خان خوشنویس کرده در
 قلم سباق از خوشنویسان جهان برده معرفت و مشهور گشته و در شکست نویسی
 بازار کفایت خان شکسته و قیام شاهزاده جهان و جهانیان میرزا کام بخش بهادر
 در بند سورت تشریف آورده مشق ایشان را پسند فرموده بخطاب بن تم
 خان مخاطب ساخته خوبی و دانش زیاده بر آنکه تحریر آید خدا معاذات ایشان سلام
 دارد که مقدمات و زکار اند آیین باری العالمین

و انصاف میباید ایشان مناظره انجم در نام نجوم است در سال که رونق و کتاب و کفر در دهه و کتاب حق و نفایس الکلام
 و دفع شبهات البعوضه متضمن بدلائل مستور خصم و اثبات معراج جهانی آنحضرت صلی الله علیه و سلم از طریق دلائل
 و اثبات شق اقره بایل معقولی و حتی و شکار و طندن قرون و بهر از دلائل کما می سلامتین و تفصیلاً تکلیف و رساله
 نفایس الکلام مع بعضی نواد در آن مندرج ساخته در ساله هجری اتمام فرمودند و کتاب تذکره الصالحین در ذکر
 بیان حالات اولیای بند مبارک سورت و کتاب انشای متضمن به کتب و در مقامات تناسب هر علم فقرات
 و صفای من نشان مبتنوده گاه گاه در نظم و اشعار بیان نمیدهند و سحر آلیا بطوری آورده در تاریخ گوئی شیل خود
 مذمتند تاریخ ششم هم جادی اثانی شانه رحلت نموده در سجد حافظ نقابیک مدفون شده اند ایشانرا
 دو پسر بودند یکی رضی الدین که شاعر شیرین بیان بود و احسن که تخلص میباشند با تاریخ
 نوزدهم شوال ساله هجری رحلت کرده و دوم غلام محی الدین عث چو ژویان که در تاریخ گوئی
 مهارت داشته تاریخ پانزدهم شوال المکرم ساله هجری انتقال کرده مولوی عبدالقادر تاریخ گفته
 شاعر اهل بهشت دیگر شاعر با حلقه و تصانیف منشی عبد الحکیم در اے
 رساله رو به بر معلوم نشد که چه شد و کجا رفت ۱۲ فقط

بخشو شاه و اشرفی شاه و ایشان از موسی سهاگ نعمت یافته صاحب کمال
 بودند اشرفی شاه در ۹۵۰ هجری وفات نموده بخشو شاه زمین کنار گام حشر دیده
 در آنجا مدفون ساختند به هژدهم ماه جمادی الثانی رحلت نموده محمد حسین خسر
 محمد بهائی سبط مقتد بوده و محمد شفیع نیز مقتد آنجناب بوده که پانین مدفون
 حضرت سید جمال الدین المعروف خواجه و اما صاحب سوری احمد علی
 خلف سید باوشاه پرده پوش ابن سید اسمعیل ابن خواجه سید قریش ابن خواجه سید
 ولایت ابن حضرت سید عبداللہ زرخش ابن قطب سید احمد اما خواجه ابن سید حسین
 اما ابن سید اسمعیل اما ابن سید جعفر ابن سید نظام ابن سید یقین ابن سید محمد
 امام علی هادی ابن امام علی نقی رضوان اللہ علیهم اجمعین - باید دانست که پاشان
 مغل چغتائی سلطان حسین میرزا و ابراهیم حسین مرزا و شیخ مرزا و غیره سعادت
 خود داشته و خزان خود را با خواجگان موصوف عقده بستند و والده آنجناب
 نیز از اولاد پاشان بوده تولد آنجناب در ۹۸۰ هجری و مویع جنوق چار فرسنگ
 از خوارزم است و نموده چون آنحضرت چهار ماهیه شدند حضرت خواجه سید پاشا
 والد ماجد آنجناب در فتنه شاه اسمعیل صفوی بدرجه شهادت فایض شدند خواجه

و در آنجا مسجد چوبه تریخته ساخته اند و نیز قبر بخشو شاه در آنجاست و هر چهار قبر سخته اند و مشهورتکیه بخشو شاه است
 آن بدست ناوذا محمد علی صاحب کلمه مرحوم که مشهور معروف تاجر می بودند و از ایشان بدست مجمع الفضائل مولوی محمد
 ابراهیم صاحب باکله مرحوم و منصور خطیب مدرس مسجد جامع بمبئی آمده ایشان بوجه ملازمت خویش به سیردگی
 فرزند اکبر خود معلم شیخ علی باکله داده بودند و بعد انتقال شیخ علی باکله به زیر غور و پرداخت معلم
 شیخ محمود صاحب باکله باین شهر طاسپرد شد که سالانه مبلغ نچرو پیه حق اسمعی خود بگیرند و پنج روپیه بزوجه
 معلم ابراهیم صاحب داده شود و باقی مانده وصول به مزار مقدس فرج کرده آید بعد از طین مغفرت قرین معلم شیخ محمود صاحب
 باکله حال بدست خلفشان فضیلت نیاه مولوی عبدالقادر باکله مانده که عوس بخشو شاه تاریخ هژدهم جمادی الثانی می کنند و تاریخ
 بخشو شاه تاریخ هفتم رجب و تاریخ وفات اشرفی شاه نیست و تاریخ وفات سهاگ نعمت مولانا خواجه بخشو شاه

المعروف خواجه ابوالحسن که از اولاد حضرت سید آقا صاحب بودند و فرقه خلافت از
 خواجه عبداللہ احرار یافته تکمیل علوم از حضرت سید بادشاه صاحب نموده در عالم رُویا
 جناب سید بادشاه صاحب شهید به تربیت فرزند خود بایشان حواله فرمودند خواجه موصوف
 بموجب ارشاد آنجناب را از دایه گرفته از خوارزم برآمده با ورنه در دشت
 خاوران بسر چشمه اقامت انداختند دوران وادی شیرنایاب بود حضرت خواجه
 تا سه روز انگشت ابهام رومی میگذرد چون سه روز شد حضرت خواجه بابا بدرگاه
 آنکی التجا آوردند تیر او برهمن اجابت رسیده که ماده آهونزدیک حضرت خواجه
 آمده شیر دادن گرفت حضرت خواجه بابا این حال دیده و قدرت آنکی را مشاهده
 فرموده شکر آنکی بجا آورد و تا ایام رضاعت ماده آهوشیر داده بعد از آن
 جناب علفهای صحرائی و بنجهای نبات غذا فرمودند چنانچه خواجه محمد قاسم متخلص
 رضوان خلف آنجناب در کتاب مناقب الاجیار که در احوال آنجناب است
 فرموده مینویسند که من از زبان مبارک آنحضرت شنیدم که آنچه از نباتات
 و علفها لذت می یابند از خوشهای تکلف لذت نمی یابیم چون حضرت خواجه بابا
 تا دو از ده سال تربیت و تعلیم آنحضرت اشتغال داشتند رحلت فرمودند عفت
 غیب بالباسهای فاخره از جانب قبله پیدا گردیده حضرت خواجه بابا را غسل داده
 تجمیز و تکفین نموده بر جنازه اش نماز خوانده و حضرت خواجه را اولاسا و سلی
 داوه لغش را برهشته از نظر فائب شدند و آنحضرت در همان دشت بر سر چشمه
 نادقی هم تکب آهوان بودند حضرت خواجه سید بادشاه شهید در عالم رُویا خواجه
 سید محمد فرمودند که سید جمال الدین هنوز محتاج تربیت اند حواله شما کردم پس حضرت

سید محمد در جستجوی آنجناب برآمدند و بدشت خاوران ملاقات کرده فرمودند که ما را
بزرگان شما برای تربیت حکم فرموده اند پس تا مدت شش سال آنحضرت را به علم و عمل
کامل ساخته مراجعت فرمودند و آنحضرت هم در آنجا تصفیة باطنه و ریاضت شایسته مشغول بودند و مشغول

چه در گرم و سرد و چه در ابر و باد
سیدمان است گویا بجایه و جلال
پس شیر دادن میان بست تنگ
حقایق پناه و معارف شیون

و آن سرزمین بود پیوسته شاد
بگردش زده حلقه شیر و غزال
نخسته پی آن طره آهونگ
چنین بود ما دشت آنجا سکون

پس آنحضرت بصحبت بابا جویمان مجذوب ترکستانی مشرف شده و بر بلخ تشریف
آوردند و بنجانه خواجه عبدالهادی شیرخواجه محمد پارسا فرود آمدند و شاه بیگم حرم
محترم ایشان آنحضرت را طعام خوردن آموخت پس آنحضرت را با خواجه جوینار
قدس ستره صحبت حاصل شد و پیر محمد خان بن جانی بیگ خان والی توران معتقد
آنجناب گشته هم شیر رضاعی خود را با آنجناب مناکحت نمودند و آنحضرت مدتی در بلخ
تشریف داشته از خدمت خواجه جان پارسا صدیقی شرف صحبت حاصل ساخته با
منگوه متوجه مهندستان شدند و از راه سنده و هخامنش در آگره رفته و در مسجد
اقامت فرمودند پس آن و امرایان شیرشاهی انواع عقیدت بهرسانیدند و توکل محبت
خان توپین و شاه قسلی خان حرم مرید آنجناب گشته پس آنحضرت متوجه ملک گجرات
شده و در نواح برآوده قلع الطریق اسباب عالیة را بغارت بردند و آنجناب در
بروده بلاقات مولسنا لظیر بخشی رفته اند علیهم سرور گشته مدتی در آنجا تشریف
داشتند و از جناب الهی اسور شدند که در بندرسورت رفته اقامت نمایند شاهزاده

دائیل این اکبر شاه در بیان پورعقیدتمندی بهم رسانیده تیمورت نزد خود را در این
 آنحضرت انداخته چون او وفات نمود آنحضرت مجرب شده بدینصوب فتنه او را زنده
 گردانیدند و بسیار خوارق عادات از آنجناب ظهور آمده که این مختصر گنجایش تمام
 احوال سعادت اشتغال ندارد همه در موقوفات آنجناب مشروحاً ماسطور است پس
 آنحضرت در بندرسورت تشریف آوردند قلیچ خان قلعه دارسورت بهتقبال برآمده
 بقطنیم توقیر آنحضرت را در شهر آورد و در آنوقت آبادی شهر سورت آغاز بوده آنجناب فرمودند

| | |
|---------------------------|------------------------------|
| گر و کس بر صورت قدرت | با و آباد بندرسورت |
| پی ادا کشتیهای این بحر | وطن و ایریم اندر کنج این شهر |
| برین خدمت نسیم گشتم مامور | چه خوش گفتند الما مور معذور |

اکبر شاه معتقد آنجناب گشته نذرانه فراوان ارسال داشته آنحضرت بنامی خانقاه
 آغاز نهادند معماران کار میکردند و آنجناب بجهت شب می شکستند مردمان سوال کردند
 که شکستن موجب چیست فرمودند برای نفع مردمان پس آنحضرت مدتی در بنامی
 خانقاه بودند باختر شب جمعه پنجم ماه صفر ۱۰۶۰ هجری رحلت فرموده در صحن خانقاه مدفون
 شدند تاریخ رحلتش حدیث شناس مرزا یوسف علی گفته چه تاریخ

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| زهی خواجده خواجهکان خواجده ما | که صدسال آوی آه پی شد |
| ازین دشت غولان دیوان برین | بسو خدایان رازرهنما شد |
| ز حکم آلی بن عبسوی دم | که لطفش بسی خستنا را و او شد |
| چو جذب آلی گریان گرفتش | زوار فنا سوی وار بهت شد |
| چو او دوة التاج بود اولیایا | نباگاه وقت غمش جا نگذشت |

| | | |
|--|---|--|
| | بگفت کہ تاج سزاویا شد | خرد سال تاریخ آن قدوہ دین |
| حضرت خواجہ محمد قاسم صاحب خلیفہ انجناب فرمود | | |
| | <p>آن منسائیدہ طریق خدا ہائے طالبان راہ خدا کوس لائشہ کو اب خدا ہالت از رطقتش بداد خدا گنبد چرخ گشت پر ز خدا اے درینجا کہ شد ز خلق جدا خواہ شانہست بہت خواہ گدا روح احد روحہ ابد</p> | <p>خواجہ خواجگان جمال الدین مرشد سالکان حنفی و جہر صدوسی سال در جان بنزد شب آدینہ پنج ماہ صفر بسکہ کردند نالہ از ہجرش بود فخر تبار سیدان ہر کہ تاریخ رطقتش رسید زو مکرر گوئی بادل زار</p> |
| تاریخ قطب اقطاب اعلیٰ رفت | | |
| تاریخ | | |
| | <p>بارشاد حنائق تھیں مطلق پیش نقل مکان از است مطبق ازین باطل سراد کشور حق زده در خلد علیین بیرون زمین با آسمان گشتہ مطبق جمال الدین خواجہ وصل حق</p> | <p>جمال الدین خواجہ قطب سخن صدوسی سال فرمودہ ہست پنجم ماہ صفر وقت سحر کہ چو زمین دیر معاک او کوچ فرمود شدہ زمین واقعہ عالم پر آشوب سروشی گفت چینی او چو پویش</p> |
| بعد از چند سے باران عظیم بارید قبر انجناب فرود رفت فرزندانش تربت انجناب را | | |

کشاود نفس مبارک در آن نبود آنحضرت بخواجہ محمد قاسم در علم رویا فرمودند که ما را
 بحکم شریف بردند مولانا و رویش ما شقذی ملفوظات آنحضرت را تحریر فرموده
 وقاضی خان بخاری کتاب مقامات العارفين و احوال آنجناب نوشته و خواجہ
 محمد قاسم خلیف آنجناب مناقب الاخیار و در سیر آنحضرت تحریر فرموده پس در ہم
 صفر ۱۱۹۰ رحلت فرمودند خواجہ ابوالحسن رحمۃ اللہ علیہ خلیف حضرت خواجہ
 و اما صاحب بعد از پدر سجاوہ نشین سند ہدایت شدہ در زمان آنحضرت عبد اللہ خان
 فوجدار پٹن مسجد جامع حضرت خواجہ صاحب بنا تھا و تاریخ

| | |
|-------------------------------------|-----------------------------|
| چون حاکم نیروالہ عبد اللہ | بنیاد نمود مسجد و شد مشکور |
| تاریخ سرورش گفت از جدی تمام | مسجد جامع چوبیت المعمور |
| ولم | |
| حاکم گجرات نیکو اعتقاد عبد اللہ خان | ساختہ در صحن مسجد عالی نشان |
| گفت تاریخ بنایش سرورش فی البدیہ | مسجد جامع نیاز خواجہ پوٹکان |
| تاریخ | |
| مسجد جامع کبیت المعمور | |

۱۱۹۰ و پھر ان سال عبد اللہ خان بر مرقد حضرت خواجہ صاحب کعبہ عالیہ بنا دیا و نهاد

| | |
|------------------------------------|------------------------------|
| تاریخ | |
| عبد اللہ خان نمود بنا گنبد طیند | چون ہمت طیند خود اندر معانیش |
| بر خواجہ گاہ خواجہ دیوانہ نقش بندہ | خادم ولی است از نگہ ناگمانیش |
| ستحکم و رسیع و مصفا و خوش بنا | بودند صاحبین در آن سر نشانش |

این پرچم با همه دیرینه سالگی
سراز فلک همین نهد این مهر و برش
پیر که ازین نخبه مکان شد وصال حق
ساش سر و شگفت زود و پایش

اندر خیال خود نهد نقش پایش
هر باد او سر چو کی پایش
ما مون بود از فتنه و جهانش
گر دیده ارجبند بکونین پایش

و در ساله شاهجهانی ششم هجری تجویز معتمد الملک متصدی سورت موقوفه
و در تصرف اخراجات عرس شریف مقرر شد و حضرت خواجه ابوالحسن بیستم ماه صفر
رحلت فرموده در گنبد مدفون شدند * تاریخ *

آن خواجه بو الحسن که بتوفیق ذوالجلال
در لیله الاحد من آخرت نمود
یعنی هزار بوده و پنج با چهار فوق
شهر صفر بروز نهم شد و درون قبر
سید محمد ابن شریف حنیفه اش
اخلاق نیک بخشی و اوضاع اولیا
همت بلند بخش که نزدیک همش

علم و عمل نمود و هم خاص لایزال
تاریخ فوت اوست بعین مبنون و ال
از هجرت رسول خدا و ذوالجلال
یارب ناپه فقرش خواص لایزال
یارب ترقیش بنا و جمیع حال
تا غیبه زکر تو کند غیر قیل و قال
دنیار و دهرش بر بناید کم از سفال

خواجه سید محمد رحمة الله علیه خلف خواجه ابوالحسن بعد از پدر پسرند هدایت
جلوس فرموده در نهائی خلافت گشته بدوم رمضان ششمه رحلت فرموده
در گنبد عالی مدفون شدند تاریخ

خواجه سید محمد آنکه بود

مثل او در جهان هیچ دیار

| | |
|--|--|
| <p>زبده خواجهگان عالیقدر سید با حسب کریم خصال مریم ز چشم بادل مجروح کس ندیده است در جهان چون او بود تاریخ دویم رمضان کس نه آسود یکدی در هر چون سفر کرد زمین جهان فنا سال تاریخ رحلتش هر چند قیصر از دور و غم بطورینا</p> | <p>عمده دو دمان ذوالمقدار لطف و اکرام خلق و استیصال مونس غلگسار هر آزار محبتش با کرم بحکم و وقار کز قضا گشت بر شل افکار آه زین چرخ گنبد و وار رخت بر بست سوی دار قرأ گشت جواین زهر صغائر کبار رضی الله گفت بادل نه ا</p> |
|--|--|

خواجه نور الحسن رحمه الله علیه خلف حضرت خواجه سید محمد صاحب مرحوم از
پدر بر بسند ارشاد جلوس فرموده مدت پنجاه سال رهنمایی خلایق گشته در
رحلتش فرمودند و تاریخ ده

| | |
|--|---|
| <p>پیشوا اهل عرفان حضرت نور الحسن چون بسا او هر در منظور انتکاش بود بیکه نور معرفت در جهانش تابنده بود چون فضا را از روی آمد ترائی گفت وقت تا که چپید لباس هستی خود را زوهر از سرگریخت گفت سال رحلتش</p> | <p>آنکه گشته علم حق در پیش او بین البصیر در حضور خویش کرد فیض احسن را جان بعد از آن تلقین نموده آنچه بود علم البصیر ای های ای جهان خسر نشری شدیقین پیشوای عشقیان شد در سپهر برترین و اصل رحمان شده آن قدوه اهل البصیر</p> |
|--|---|

سه هزار شریف در باره درمی جانب جذب گنبد شریف است ۱۲

| | | |
|-----------|-----|-----|
| ❖ تاریخ ❖ | ❖ ❖ | ❖ ❖ |
|-----------|-----|-----|

یافت نور الحسن خان نخل

| | |
|-------|------|
| تاریخ | ۱۱۳۴ |
|-------|------|

| | |
|-----------------------|-------------------------|
| باب چودش هفت گفت سیرت | یافت نور الحسن وصال سخن |
|-----------------------|-------------------------|

آنجناب را دو فرزند بودند **خواجہ فیض الحسن** و **خواجہ نور الاعلیٰ خواجہ نور الحسن** علیہ خلیفہ خواجہ نور الحسن در ۹۹۰ھ تولد نموده بعد از وفات پدر بزرگوار نشین و سجادگی حضرت خواجہ صاحب شدہ فتاویٰ فیض نقشبندیہ شرح کیدانی مستی بفرخ شامی تصانیف آنجناب است اجلہ علمای این شہر بودند **راہ اللہ رحلت فرمودند** از آنجناب یکہ ختر عقب مانده کہ با قاضی شرف الدین المصطفیٰ سید ولی اللہ خان کہ منصب بندر مبارک سورت داشتند منسوب بود و حافظ قاضی ابو الحسن از بطن آن عقیقہ تولد نمودند

تاریخ

| | |
|---|--|
| خواجہ دیوانگان نقشبند طار باغ یقین فیض الحسن ہست این کمنہ قفص گفتمہ سرو | مہ از خاک و شس سر کشید جرعہ از جام وصال حق چشید شاہ باز عشق از عالم پرید |
|---|--|

خواجہ نور الاعلیٰ رحمۃ اللہ علیہ خلیفہ دوم حضرت خواجہ نور الحسن بودہ بعد از برادر
برسند ہدایت خلق اللہ اجلاس مشہور نمودند کتاب کثر الفوائد تالیف آنجناب است
ایشان را نیز یک ختر بودہ کہ با حافظ قاضی ابو الحسن خلیفہ سید ولی اللہ خان منسوب
۹۹۵ھ نموده در ۹۹۵ھ حافظ ابو الحسن را سجادہ نشین خانقاہ حضرت خواجہ صاحب
مقرر نمودہ سند تولیت بہورا کاربان شہر سورت مترتب نمودہ مواضع و وظائف

شرح غلامہ کیدانی در فقہ کے بفرخ شامی ۱۲

متعلقه در گاه و غایت حواله ایشان کرده در ۶۴ هجرت منبر بودند تا تاریخ

| | | | |
|----------------------|----------------------|---------------------|----------------------------|
| نور علی خواجہ دیوانہ | می جام وصل اللہ چشید | سال نا بخشش سرش گفت | اشا با ملک عشق ز دنیا پرید |
|----------------------|----------------------|---------------------|----------------------------|

وله

| | | | |
|-----------------------|------------------------|-----------------------|----------------------|
| یاوگا خواجگان نصیبند | نور علی خواجہ ہائیں عم | غذیب گلبن باغ بہشت | قری سرو گلستان نسیم |
| نور چشم مصطفیٰ و مرضی | تاج فرق اولیا مستقیم | خزوق بخش و جلال قربت | جر بخش می پرستان نیم |
| باغ علم او شال نو بہا | بر دل خبا بخشیدہ نیم | کر و حلتین جان بر چین | سوی دوسم مہ خوبی ہم |
| | فی البدیہ تائیں سر و | وصل خبت شد از غلت سیم | |

این ہر دو تاریخ بیان ابو بخشید سر و ش کہ یکی از اجلہ شعرا می آن عصر در سوت بود
گفته اند حافظ قاضی سید ابوالحسن صاحب رحمۃ اللہ علیہ ابن خواجہ سید شرف الدین
المخاطب سید ولی اللہ خان ثانی بن سید فتح اللہ کہ نسب شریفش سید یحییٰ ترمذی خلف
علی الاصفہر سلیم الدین ترمذی اند کہ معاصر فیروز شاہ بادشاہ دہلی بودند و کشف
کرامات عالیہ داشتہ فیروز شاہ مقتدا جناب گشتہ دختر خود را بشرف از درواجہ حضرت
آوردہ و آنجناب بعر چارہ ساگی مرید حضرت مخدوم جان گشتہ جانیان بودہ
تکمیل علوم ایشان حوالہ حضرت زندہ اولیا و عظام مخدوم اخئی حبشید خلیفہ خود نمودند
و ملفوظات مخدوم جانیان تالیف بہین بزرگوار اخئی حبشید بہت و لفظ اخئی عنایت
حضرت مخدوم جانیان بہت و اخئی حبشید روز شنبہ دہم شوال حلت نمودند
مردمان این روز رخصت گشتند آنحضرت از کفن برخواستہ گفتند فر و ابروز چارہ
وفات خواہم نمود چون فرزند داشتند شیخ نور ولد قیام الدین خواہر زاوہ ایشان
چاہین شد کہ شیخ فتح اللہ را جگری از اولاد ایشان اند پس حضرت مخدوم سید